

ارتباط ایران و چین قدمتی با تاریخ هزار ساله دارد. هرچند در چند سال گذشته دستخوش فراز و فرود و تغییرات جدی شده است. در گفت‌وگویی که با علاءالدین بروجردی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، سفیر سابق ایران در چین و رئیس انجمن دوستی ایران و چین داشتیم به ریشه برخی از مخالفت‌ها در زمینه ارتباط با چین پرداختیم و خصوصاً عوامل مهم شکست این ارتباط در دهه نود را بررسی کردیم. همچنین در این گفت‌وگو در خصوص طلوع و آینده اقتصاد چین و رقابت جهانی او با آمریکا صحبت کردیم و نقشه ژئوپلیتیک جاده ابریشم را که چین در آستانه احیای آن از طریق پاکستان، ایران و افغانستان است بررسی و کندی تکمیل پروژه‌هایی مانند آن را آسیب‌شناسی کردیم

به‌عنوان سؤال اول اگر بخواهید اجمالاً به ریشه و دلایل ناهماهنگی برخی مسئولان کشور در ارتباط با کشورهای شرقی خصوصاً چین اشاره کنید کدام نکات را ذکر می‌کنید؟! چرا برخی از مسئولان دولت‌های مختلف هیچ علاقه‌ای به شکل‌گیری این ارتباطات اقتصادی ندارند؟!

از ابتدای پیروزی انقلاب تا امروز یک نگاه و گرایش جدی میان مسئولان جمهوری اسلامی وجود دارد که آن هم تمایل شدید به غرب است. علت وجود این گرایش هم چندان پیچیده نیست. بسیاری از مسئولان کشور ما تحصیل‌کرده غرب هستند و در آمریکا یا کشورهای اروپایی درس خوانده‌اند. به همین دلیل هم به آن سیستم علاقه‌مند هستند. قبل از انقلاب اسلامی هم ایران کاملاً در اختیار غرب بود و ساختار و زیرساخت‌های کشور به‌صورت کاملاً غربی طراحی شده است. کشورهای غربی به رهبری آمریکا تحریم‌های ظالمانه و پیچیده‌ای را علیه کشور ما طراحی کرده‌اند ولی باز هم برخی مسئولان ما با اکراه از غرب رو برمی‌گردانند و به ظرفیت‌های اقتصادی موجود در کشورهای شرقی مثل روسیه و چین توجه می‌کنند. نکته مهم دوم عدم شناخت از کشور چین است. چین امروز از لحاظ توانمندی‌های علمی و فناوری مساوی با آمریکا، اروپا و تمام کشورهای

توسعه‌یافته جهان است. ولی خیلی از مسئولان کشور ما چنین فهم و شناختی ندارند. هواپیمای ایرباس یا گوشی اپل اگرچه هویتهای آمریکایی و اروپایی است ولی امروز در شانگهای و شنژن چین تولید می‌شود و کارخانه‌های بزرگ خودروسازی جهان در چین فعالیت می‌کنند. ما با چین هیچگونه سوء پیشینه تاریخی نداریم و هرچه بوده اعم از روابط فرهنگی و اقتصادی عمیق از طریق جاده ابریشم بوده است. منطق حکم می‌کند امروز هم که کشور ما تحت فشار اقتصادی قرار دارد همین روابط عمیق با چین ادامه پیدا کند. البته باید گفت این نگاه عملیاتی و استراتژیک میان مسئولان عالی رتبه نظام خصوصاً مقام معظم رهبری وجود دارد. حتی اگر روزی تمام تحریم‌ها هم برداشته شوند و شرکت‌های اروپایی هم مایل باشند با ایران همکاری کنند دیگر هیچ سرمایه‌ای در اروپا برای همکاری اقتصادی با کشور ما وجود ندارد. فعالیت‌های زیرساختی در حوزه‌های مختلف اقتصادی خصوصاً نفت و گاز نیاز به ثروت انبوهی دارد که در حال حاضر تنها در چین موجود است نه در کشورهای اروپایی.

لطفاً به علت کدورت و ناراحتی دولت چین از ایران و قطع ارتباطات اقتصادی دو دولت ایران و چین در ابتدای دهه نود و دولت آقای روحانی اشاره کنید. حتی وزیر سابق امور خارجه، آقای ظریف هم بعدها در آن گزارش معروف خودشان گفتند: «ما به امید آمدن شرکت‌های اروپایی به ایران، دوستان دوران سختی خودمان را رنجاندیم.»

وقتی برجام را امضا کردند ظاهراً فضای مثبتی در کشور ایجاد شد و می‌گفتند تحریم‌ها برداشته خواهد شد. خیلی از شرکت‌ها مجاز به کار در ایران شدند و شرکت‌های نفتی مانند توتال و شیل هم راهی کشور ما شدند. بر اساس همان دیدگاهی که در سؤال قبلی عرض کردم وزیر نفت دولت قبلی چینی‌ها را به‌صورت کاملاً توهین آمیزی از مجموعه‌های نفتی مانند یادآوران اخراج کرد. توهین و بدرفتاری بیش از این امکان‌پذیر نبود که در دولت قبل انجام گرفت. ما در مجلس اصرار زیادی کردیم که ثابت کنیم این کار اشتباه و خطای استراتژیک است. تلاش کردیم به دولت بگوییم برای موفقیت اقتصادی

فرصت‌ها را از دست می‌دهیم و بعد از چند سال می‌گوییم ای بابا چرا چینی‌ها نیامدند؟ خوب مقصر چه کسی است؟! در نهایت باید گفت متأسفانه هیچ اقدام مؤثر و جدی در زمینه تکمیل کمربند جاده و کریدور و انتقال آن از طریق پاکستان به ایران انجام نشده است